دانشجویان: ماندگاران هزار مرگ

پاکزاد مقدم، سید امیر

دهه‏ی بیست،آغاز شکل‏گیری جنبش دانشجویی و به نوعی‏ پایه‏ریزی تشکیل انجمن‏های اسلامی دانشجویان بود که پس از تأسیس،شخصیت‏های مطرح و مقبول فکری-دینی آن زمان(از قبیل مهندس بازرگان،مرحوم طالقانی و مرحوم دکتر سحابی)در رهبری فکری و ایدئولوژیک دانشجویان و روشنفکران نقش قابل‏ توجهی ایفا نمودند.

انجمن‏های اسلامی دانشجویان با انگیزه‏ی نیرومند دینی و با احساس مسؤولیت عمیق اجتماعی-سیاسی پدید آمده و رشد یافتند و تا چندین دهه،نقش مهم و ماندگاری در حوادث و تحولات‏ اجتماعی ایران ایفا نموده و توانستند جنبش مستقل دانشجویی را به عنوان یکی از اصیل‏ترین،پویاترین،فراگیرترین و پراعتبارترین‏ نهاد ضدّ استبدادی در تاریخ چند دهه‏ی اخیر کشورمان مطرح نمایند.

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و شکل‏گیری جمهوری‏ اسلامی،حرکت‏های جنبش دانشجویی در حفاظت و صیانت از جمهوریّت،اسلامیّت و استقلال کشور از یک سو و نقش راهبردی‏ این جنبش از سوی دیگر،باعث جهت‏دهی جریان انقلاب و توده‏های مردم در مسیر آغازین انقلاب گردید.با آغاز جنگ تحمیلی، این جنبش هم گام و هم سو با ملّت ایران به دفاع از کیان و موجودیت کشور پرداخت که آزادی،استقلال،عزت،سرافرازی و آزادگی ایران به عنوان خون‏بهای آن همواره بر تارک گیتی خواهد درخشید.

با پایان جنگ و شروع دوران سازندگی،جنبش دانشجویی با درک شرایط سیاسی و اجتماعی آن دوران و بنابر وظیفه‏ی سنگین‏ پایداری از ارزش‏های اصیل انقلاب و دفاع از حقوق اساسی ایرانیان‏ از دیدگاه انتقادی بر صیانت از دستاوردهای واقعی انقلاب پای فشرد. با شکل‏گیری جنبش اجتماعی دوم خرداد و پیروزی اصلاحات با رهبری سیّد محمد خاتمی،جنبش دانشجویی به عنوان یکی از مهم‏ترین عوامل ایجادکننده‏ی این حرکت بنیادین اجتماعی،تمام‏ ظرفیت خود را در جهت حمایت از جریان اصلاحات و تحقق‏ جامعه‏ی مدنی که در آن اصول و آرمان‏های آزادی‏های فردی و اجتماعی و حق شهروندی برای تمام افراد جامعه رعایت شود،به کار بست.شاید بتوان همراهی و هم‏گامی همیشگی جنبش دانشجویی‏ با آرمان‏های آزادی‏خواهانه‏ی مردم ایران به خصوص در سال‏های‏ اخیر را از دلایل ماندگاری آن در بین توده‏های مردم دانست.

سیر تحولات بعد از دوم خرداد و تلاش جامعه‏ی دانشگاهی‏ برای پاس‏داشت دستاوردهای مهم این جریان سیاسی و اجتماعی، خشم تمامیت‏خواهان و اقتدارطلبان را برانگیخت تا فاجعه‏ای بزرگ و دردناک و لکه‏ی سیاهی در آغاز دهه‏ی سوم انقلاب ثبت گردد.

جنایتی که در 18 تیرماه 1378 بر پیکر این جنبش اصیل و ماندگار روا شد،قلب هر انسان آزادوار را به درد می‏آورد.

بامداد 18 تیرماه،صدها تن از دانشجویان تا صبح دم در اضطراب‏ به سر بردند.آن شب تمام اندیشه‏های دینی و ایدئولوژیک این‏ جنبش در پشت هیاهوی شعارهای عده‏یی جفاکار و خشونت‏طلب‏ رنگ باخت،امّا دستاورد مهم آن بیداری بیش از پیش جنبش‏ دانشجویی و تشخیص مسیر صحیح حرکت بود.در فاجعه‏ی خرم آباد تاریخ یک بار دیگر تکرار شد تا همگان بدانند:تمامیت‏خواهان کمر همّت بر نابودی این جنبش عظیم بسته‏اند،غافل از این‏که جنبش‏ دانشجویی ریشه در خون و رگ و پوست مردم این سرزمین دارد.

تابستان 1382 نیز یکی از سخت‏ترین مقاطع جنبش دانشجویی‏ بود که با هجمه‏یی همه‏جانبه کلیّت مجموعه‏ی دفتر تحکیم وحدت‏ (اتحادیه‏ی انجمن‏های اسلامی دانشجویان دانشگاهی سراسر کشور به عنوان فراگیرترین و مدنی‏ترین نهاد دانشجویی)مورد حمله قرار گرفت تا به تعبیری تاوان اعلام مواضع شجاعانه و انتقادات صریح‏ خود را بپردازد.اینک دفتر تحکیم وحدت با محور قرار دادن دفاع از حقوق بشر و دموکراسی به عنوان خواسته‏ی اصلی خود که نیاز مبرم‏ ملّت ایران است،قدم در راه ساختن زیر بناها و بستردهی تحقق‏ جمهوریت ملّت نهاده و این خواسته را فریاد زده است که تاوان‏ زیادی را نیز در این راه پرداخته و می‏پردازد.ضمن این‏که نقش‏ راهبردی این حرکت دانشجویی جز با آمیختگی آموزه‏های دینی و مذهبی و تقویت بنیان‏های تئوریک این جنبش ممکن و میسّر نخواهد بود.حرکت در مسیر طولانی دستیابی به دموکراسی،نیاز به‏ تأمل و دوراندیشی توأم با خردورزی دارد و دوری گزیدن از جریان‏های احساسی و رادیکال یکی از رویکردهای جدایی‏ناپذیر اتحادیه خواهد بود.

ازاین‏رو دفتر تحکیم وحدت برای رسیدن به اهداف خود که‏ همان سوق دادن توده‏ها به دموکراسی در چارچوب تعقل و خردگرایی‏ است و جهت دستیابی به آرزوی دیرینه‏ی خود بیش از پیش نیازمند حرکت همگام با سایر بدنه‏های جنبش اصلاح‏طلبی در ایران اسلامی‏ است.ضمن این‏که دفتر تحکیم وحدت با اتخاذ استراتژی فعالیت‏ مدنی مستقل از قدرت سیاسی حاکم از سه سال پیش به این سوء بی‏شک متحمل هزینه‏های اجتناب‏ناپذیری شده است.بدیهی است‏ که لازمه‏ی دوری از قدرت و محدوده‏ی آن و مهم‏تر از همه نقادی‏ قدرت،وجود توانایی و آمادگی جهت گذر از شرایط سخت و دشوار و تداوم ادامه‏ی فعالیت خود مبتنی بر امکانات محدود خویش است.از همین روست که چندی است برخی از تحلیلگران عرصه‏ی جنبش‏ دانشجویی ضمن طرح مقوله‏ی«کارکرد روشنفکرانه‏ی جنبش‏ دانشجویی و دوری محتاطانه‏ی آن از قدرت»هم زمان بر زهد سیاسی و تشکیلاتی دفتر تحکیم قدرت و قطع رشته‏های وابستگی‏ به حمایت‏های مالی و سیاسی دستگاه‏های دولتی تأکید نموده‏اند.

کمیسیون ایرانی صلح و حقوق بشر(کاس)

کمیسیون ایرانی صلح و حقوق بشر(کاس)،یک سازمان مردمی‏ و مدنی غیر دولتی NGO است که در مسیر گسترش فرهنگ صلح و رعایت حقوق بشر در ایران حول محور«اعلامیه‏ی سازمان ملل‏ متّحد درباره‏ی فرهنگ صلح مورّخ 1999»تشکیل شده است.

کمیسیون ایرانی صلح و حقوق بشر ایران،یک بنیاد فرهنگی/ مدنی و نه یک حزب سیاسی‏ست و به هیچ یک از احزاب و جناح‏های‏ سیاسی،وابستگی ندارد؛عضویت در آن برای هر شهروند ایرانی یا هر گروه مدنی/سیاسی که به حفظ صلح برابر اعلامیه‏ی سازمان‏ ملل متّحد و رعایت حقوق بشر برابر اعلامیه‏ی جهانی حقوق بشر، معتقد و ملتزم باشد،آزاد است.

اعلامیه‏ی فرهنگ صلح که در 1999 در مجمع عمومی سازمان‏ ملل متّحد به اتفاق آراء تصویب شد،بر هشت ماده تکیه دارد:

1.ترویج و تقویت فرهنگ صلح و حقوق بشر از طریق‏ آموزش و پرورش؛

2.ترویج و تقویت توسعه‏ی پایدار اقتصادی و اجتماعی؛

3.ترویج و تقویت حقوق بشر برابر اعلامیه‏ی جهانی حقوق‏ بشر؛

4.ترویج و تقویت تساوی زن و مرد؛

5.ترویج و تقویت مشارکت سیاسی دموکراتیک؛

6.ترویج و تقویت اصول تفاهم،تساهل و همیاری؛

7.ترویج و تقویت ارتباطات مشارکتی و جریان آزاد اطلاعات‏ و معلومات؛

8.ترویج و تقویت صلح و امنیّت جهانی.

ما همه حق داریم که با خاطر مجموع و فارغ از وحشت جنگ، ناامنی،بی‏عدالتی و خشونت یعنی در صلح و صفا و با تأمین قضایی‏ و اجتماعی زندگی کنیم.

لزومی ندارد که شما حتما به عضویت کمیسیون ایرانی صلح و حقوق بشر(کاس)درآیید،ولی اگر این اصول و مفاهیم برای شما ارزشمندند،آن‏ها را در طول برخورد با دیگران به قول و عمل دنبال‏ و تأیید کنید.هر کجا بی‏عدالتی،تبعیض،خشونت می‏بینید،به بیان و رفتاری مسالمت‏آمیز با آن مبارزه کنید.

آرمان‏های ما:

صلح؛

حقوق بشر؛

توسعه؛

عدالت؛

محیط زیست؛

حل اختلاف؛

عدم خشونت